

ابن اثیر و اسد الغابة

حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی

ترجمه محمد قلندیس

تاریخ‌نگار، نَسَب‌شناس، سخندان، نویسنده، شاعر برتر، شیخ عزالدین ابوالحسن علی، پسر علامه اثیرالدین ابوالکرم محمد، پسر محمد بن عبدالکریم، پسر عبدالواحد، شییبانی نَسَب، شافعی مذهب، در اصل از شهر اربل، و متولد جزیره موصل است، که در سال ۵۵۵ در جزیره ابن عمر، مشهور به عراق، زاده شد.

از پدر و برادرش مبارک و دیگران دانش آموخت؛ و حدیث را از آن دو و دیگر محدثان روایت می‌کند. کتابهای گرانمایی تألیف کرده است که اللباب فی الانساب از آنهاست. این کتاب، تلخیص و تهذیب و تکمیل الانساب سمعانی است. تحفة العجائب و طرفة الغرائب در نوادر و داستانهای زیبا و نمکین، فکاهیات و منظومه‌ها، تاریخ پادشاهان اتابکی در موصل، و اسد الغابة فی معرفة الصحابة نیز از آثار اوست.

آثار علمی و گرانمایی دیگری نیز دارد.

خانه‌اش کعبه دانشوران برتر، و مجمع ارباب حدیث و رجال و درایه و تاریخ، و نویسندگان و شاعران و دانشجویانی بود که از راههای دور و دراز به آن جا می‌شتافتند.

کتاب

اسد الغابة فی معرفة الصحابة للعلامة الفاضل المحدث الاديب
الشيخ ابو الحسن علي بن محمد بن عبد الكرم المتوفى
سنة ۵۳۵ بموصل كان حلقاً للأخبار والتاريخ خيراً
باباً العرب واخبارهم لكتبه لا تامل في التاريخ و
كتاب اللباب في تلخيص نسب السعدي وكتاب اسد الغابة
وكتاب نفيس في الالاب واخوه ابراهيم السعدي
صاحب كتاب جامع الصول مضافاً الى ان نصر الله
صاحب كتاب النمل السائر عالم ان شهره ان وبالجملة
بيت بيت فضل ونبالة وعتق ان كتاب اسد
الغابة احسن ما يابل يناس الزر لؤلؤة في تراجم
الصحابة وقد اشقت هذه النسخة من العلامة
الهدية السيد الميرزا ابو الخليل باجازه
في طبع الكتاب سنة الالف ثلث اربع
من العلامة ابو الخليل الرازي حرمه الله شهاب الدين
السيدي الشريف الحنفی ۱۳۳۱

دانشوران در جهان اسلام و پیشروان در علم رجال، در شناخت اصحاب، کتابها و فرهنگنامه‌هایی را گرد آورده‌اند که پاداش نیکشان با خداست. چرا که توان خود را در این جایگاه به کار برده‌اند. پرآوازه‌ترین آنها کتاب الاكمال ابن ما کولا و الاستيعاب ابن عبدالبر و کتاب ابن حبان و ابن معین و الاصابه ابن حجر عسقلانی است.

به نظر من بهتر از همه کتاب اسد الغابة، تألیف علامه ابن اثیر است، که در آن نزدیک به ۷۵۰۰ شخص را با تحقیق تمام و دقت در ضبط نامها و زندگی‌نامه‌ها

و تاریخ درگذشتها و تولدها آورده است. خلاصه این که کتاب در موضوع خود نفیس است؛ و مؤلف، هرکسی را که خواسته باشد بر شناخت یاران آگهی یابد، رهین منت خویش ساخته است.

نویسنده و گردآورنده کتاب، علامه رجال‌شناس، روایتگر،

به سال ۶۳۰ در موصل درگذشت. قبرش و نیز نسل و نوادگانش در آن جاست. و جزری منسوب به جزیره ابن عمر است. یاقوت حموی می‌گوید:

«جزیره ابن عمر شهری است بالای موصل، که میان آن دو سه روز راه است؛ و آن را روستاهای سرسبز و پرخیری است؛ و می‌پندارم برای نخستین بار حسن بن عمر بن خطاب تغلبی آن را بنیان نهاد و آباد ساخت.» و قاضی ابن خلکان می‌گوید: «بیشتر مردم می‌گویند جزیره ابن عمر. و من نمی‌دانم ابن عمر کیست.» و بعضی تاریخ‌نویسان می‌گویند: «آن جزیره منسوب به یوسف بن عمر ثقفی امیرالعراقین است.» جهانگرد و پرتکاپو در سفرها، سدیدالدین شیرازی، می‌گوید: «آن جزیره منسوب به اوس و کامل پسران عمر است.» سخنان دیگری نیز در این باره گفته شده است؛ و هرچه باشد، جزری با جیم، سپس زای نقطه دار و پس از آن با رای بی نقطه است، نه با جیم و رای بی نقطه و پس از آن با زای نقطه دار؛ چنان‌که بعضی از اهل فضل از معاصران و پیشتر اندکی از گردآورندگان معاجم تراجم و مؤلفان آنها پنداشته‌اند.

پسرانِ اثیر ابوالکرم محمد چند تن اند که نامدارترین آنها سه کس اند؛ و آنان یکی شیخ ابوالحسن علی عزالدین است، که پیش از این از وی یاد کردیم. و دیگر شیخ مجدالدین ابوالسعادات مبارک بن اثیرالدین ابی‌الکرم محمد، علامه، محدث، فقیه، مفسر، متکلم، لغوی، ادیب، شافعی شییبانی جزری است. در جزیره ابن عمر، سال ۵۵۴ (یا: ۵۴۴) زاده شد. از پدرش و دیگر دانشوران موصل و بزرگان روزگارش دانش آموخت. تصنیف کرد و تألیف نمود. بیشتر نوشت و نیک نگاشت. از آثار ماندگارش کتاب النهایة فی غریب الحدیث است، که بارها چاپ شده است؛ و در موضوع خود به راستی که پسندیده است. فقیه و محدث را چاره و گریزی نیست جز این‌که به آن رجوع کند و از آن بهره برد. گفته می‌شود آن را شرحهایی است.

و از آثار او کتاب الانصاف فی الجمع بین الکشف و الکشاف است، که در آن تفسیر ثعلبی و جارالله زمخشری را مد نظر داشته است؛ و گفته می‌شود چاپ شده است. و دیگر کتاب الشافی فی

شرح کتاب الأئمّ للشافعی و کتاب المرصع فی الالباء والأئمّهات والبنین والبنات والذوات والاذواء، و کتاب دیوان الرسائل و کتاب جامع الاصول فی احادیث الرسول است، که در آن صحیح بخاری و صحیح مسلم، و کتابهای الموطأ و سنن ابی داود، نیز سنن نسائی و ترمذی را به ترتیب لطیف و سبک زیبایی جمع کرده است. مثل آن نسبت به صحاح آنها، مثل کتاب الوافی است نسبت به کتب اربعه ما. کتاب جامع الاصول را ابن دبیع شییبانی و دیگران تلخیص و تنقیح کرده‌اند، که بخشی از آن چاپ شده است.

وی در روز پنجشنبه آخر ذی‌الحجه ۶۰۶ در موصل وفات یافت. قبر و اعقابش در آن جاست.

سومین پسر از پسران نام‌آورِ اثیرالدین جزری، علامه شیخ ضیاءالدین ابوالفتح نصرالله بن اثیرالدین محمد ابی‌الکرم جزری موصلی شییبانی شافعی، سخندان، نویسنده، شاعر، سخن‌پرداز، نحوی، بیانی، بدیعی، بلیغ، لغوی، ریاضیدان، هیئت‌شناس و حسابدان مشهور است. در شعبان ۵۵۸ در جزیره ابن عمر زاده شد. از پدرش و برادرش مبارک، دانش‌اندوخت؛ و از آن دو روایت می‌کنند؛ و برادرش علی و دیگران از او روایت می‌کنند. تألیف و تصنیف بسیار دارد و همه آنها مفید و سودمند است. از آثار ماندنی وی کتاب ادبی و پرآوازه‌اش است، که همانندی برای آن یافت نمی‌شود؛ و آن را المثل السائر فی ادب الکاتب والشاعر نامیده است. هرچه را در حق آن دو [نویسنده و شاعر] لازم و یا پسندیده است در آن گرد آورده، و بارها چاپ شده است. علامه شیخ عزالدین بن ابی‌الحدید نقدی بر آن نگاشته و آن را الفلک الدائر علی المثل السائر نامیده، و در شهر بمبئی منتشر شده است. سوگند می‌خورم که ایرادهای وی متوجه آن نیست و بر او وارد نیست. و این برای کسی که از جام ادب جُرعه‌ای نوشیده باشد، چه عرب آموز باشد چه از قوم عرب، در نهایت روشنی است؛ به این شرط که انسان در راه انصاف باشد و از جور و انحراف، اجتناب ورزد.

من هردو کتاب را در نجف اشرف در نزد استاد علامه استاد حجة‌الآیه شیخ محمدحسین، پسر محمد خلیل شیرازی نجفی عسکری - پیش از آن‌که در مشهد الامامین العسکریین در سامرا سکونت گزیند - قرائت کردم.

اسدالغابه را به مجدالدین مبارک بن اثیر [برادر مؤلف اسدالغابه] نسبت داده، اشتباه کرده و گمراه شده و گمراه کرده است.

من این نسخه را با نسخه دیگری، که خطی و ناقص بود، مقابله کردم؛ و در تصحیح و مراجعه به آن و به مواردی که از اسدالغابه نقل کرده‌اند و به کتابهای الاصابه و الجمع بین الصحیحین و حلیة الاولیاء و خلاصة تهذیب الکمال، نوشته صفی‌الدین خزرچی و التقریب و المعنی و طبقات المدلسین و کتابهای سیره و ... خود را به مشقت انداختم؛ تا تصحیح شده و قابل اعتماد و استناد گشت. پس قدر آن را بشناس و قیمتش را ارزان شمار؛ چرا که پس از آن همه زحمت و سختکوشی، اینک از آن نفیس و جواهری است که در آن مبالغه می‌سزد؛ و در تحصیل آن، تحمل زحمات و دشواریها شایسته است.

تکمیل: مجموعه کوچکی را که خطی و در باره یاران پیامبر ﷺ بود، دیدم؛ و آن، کتاب التفرید، نوشته علامه شیخ محی‌الدین قاهری است. وی در این کتاب، اسدالغابه را از حشو و زواید پیراسته و مهاجران و انصار را از یکدیگر جدا ساخته و هریک از این دو طایفه را در بخش ویژه‌ای یاد کرده است؛ تا کار برای کسی که می‌خواهد بر تراجم مهاجران و انصار اطلاع یابد، آسان باشد.

همچنین بر نسخه‌ای از اسدالغابه وقوف یافتیم که مخطوط بود، و بر پشت آن تملک بعضی از نوادگان مؤلف ثبت شده بود و صورت نسبت وی چنین بود: «محمد بن جمال‌الدین محمد بن عبد‌الکریم بن عبد‌الله بن محمد بن الحسین بن محمد بن ابی‌الحسن عزالدین علی صاحب‌الکتاب.»

این است آن که به اقتضای حال درباره این کتاب نفیس، مجال گفتنش بود. و من آن را در پاسخ به درخواست بعضی از دوستان اهل فضل نوشتم؛ و چون بنا بر اختصار بود، بسیار گفتنیهای دیگر را وا گذاشتم. خدا ما و شما را به حق پیغمبر گرامی‌اش و آل خجسته و پاکش از لغزش در گفتار و پندار و کردار مصون دارد.

ابوالمعالی شهاب‌الدین حسینی مرعشی نجفی

محرم ۱۳۴۲، نجف اشرف

و از تألیفات نصرالله ابن اثیر، کتاب الوشی المرقوم فی حل المنظوم است؛ و آن، غیر از کتاب الوشی المرقوم موفق‌الدین مدائنی، و غیر از الوشی المرقوم سید صدیق حسن خان است که امیر هوبال در هند بود. و از آثار اوست کتاب المعانی المخترعة فی صناعة الانشاء. جز اینها نیز کتابها و رساله‌های نفیس دیگری دارد.

وی در سال ۶۳۷ در بغداد درگذشت؛ و در مشهد امام ابوابراهیم موسی‌الکاظم علیه السلام به خاک سپرده شد. همان‌طور که ابن خلکان در الویات نوشته است، نصرالله ابن اثیر پسری داشت که فاضل، برتر، سخندان، نویسنده و شاعر بود؛ و او همان شیخ شرف‌الدین محمد، صاحب کتاب غرّة الصباح فی اوصاف الاصطباح و الانوار فی نعت الفواکه و الاثمار است، که ولادتش در سال ۵۸۵ بود، و پیش از وفات پدرش، در سال ۶۲۲ درگذشت. از برخی تاریخنگاران و آگاهان شنیدم که اثیرالدین را به غیر از این نام آوران، پسری دیگر نیز به نام محمد بوده است که از محدثان بود. و خدا داناتر است.

من کتاب اسدالغابه را از علامه بافضیلت، سید ابراهیم رفاعی، راوی بغدادی، روایت می‌کنم و او از شیخ خود علامه سید ابوالهدی صیادی رفاعی شیخ‌الاسلام و وی نیز از شیخ خویش سید محمد مهدی رواس و او هم از مشایخ خود به صورت معنعن [نسل در نسل، پشت سرهم] روایت می‌کنند تا به مؤلف کتاب ابن اثیر می‌رسند. مرا نخست به صورت شفاهی در حلقه درسش، که در مسجد سید سلطان‌علی از مساجد بغداد برگزار می‌شد، اجازه داد. و بعد اجازه عامی در مورد صحاح و سایر کتابهای آنها در حدیث و تفسیر و فقه و رجال و تراجم و لغت و ادب و عرفان و کلام و ... برایم نوشت.

پوشیده‌نماند که ابن‌منده [در معرفة الصحابه] و ابو نعیم صاحب الحلیة [در حلیة الاولیاء] و ابو موسی اصفهانی [در تمه معرفة الصحابه] و ابن‌عبدالبر [در الاستیعاب] از هرکسی که یاد کرده‌اند، در اسدالغابه آورده شده است.

ذهبی ترکمانی، اسامی اصحابی را که در اسدالغابه نام برده شده‌اند در آورده، و مقداری هم به آن افزوده و آن را تجرید اسماء الصحابه نامیده است. بعضی از مردم آن را به خود ابن اثیر نسبت می‌دهند، که وهم و اشتباه است. همچنین کسی که